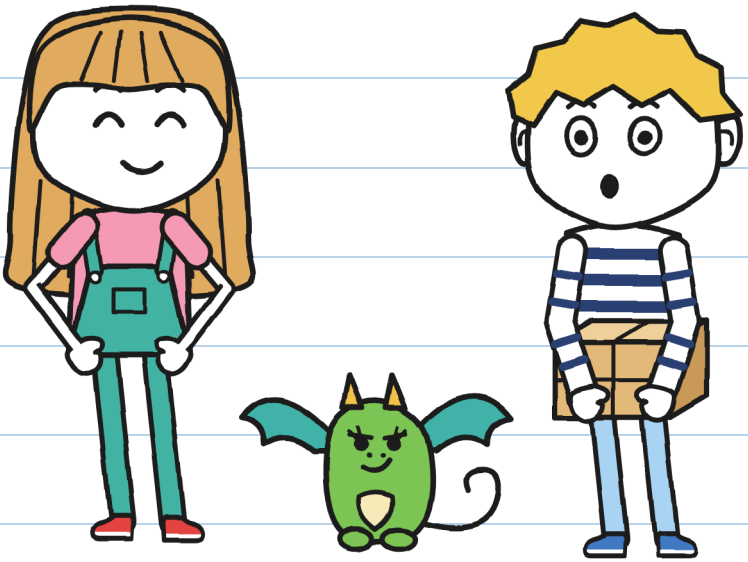
تحویل‌های غیرممکن ۱۰

این بسته گاز می‌گیرد

Lui Eriksson



(مال گاس)

اندازه XS
نوخوانان ۵۰+

تحویل‌های غیرممکن ۱۰
این بسته گاز می‌گیرد

متن و تصویرها: Lui Eriksson

اندازه XS · نوخوانان · ۵+

نسخهٔ فارسی: LinguAula

چاپ اول: 2026

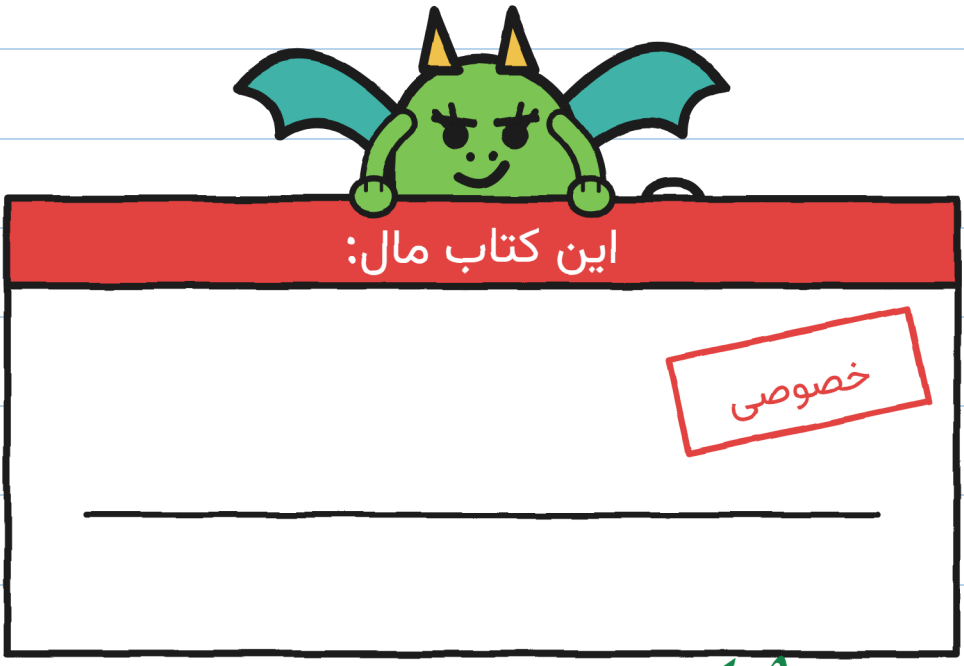
© 2026 Lui Eriksson · info@linguaula.com

فتوکپی آن آزاد است، برای کلاس و برای خانه.

LinguAula

هر فصل را در linguaula.com تمرین کن

هیچ بسته‌ای آسیب ندید. تقریبا. — خ.

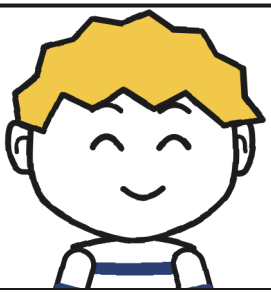


مال هیچ کس دیگر. — خ.

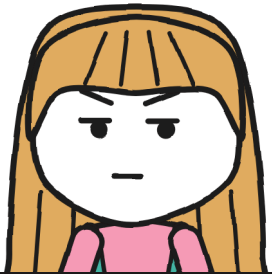
اگر پیدایش کردی، پیش
از سپیده‌دم پسش بده.

ریزه گاز می‌گیرد چون در یک داستان زندگی می‌کند.
برای حیوان‌های واقعی، صفحهٔ ۷۶ را ببین. — خ.

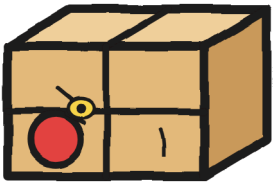
کی کیست؟



گاس. تازه‌وارد.



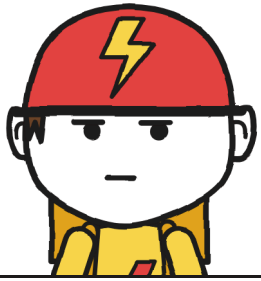
خولیتا با سبز می‌نویسد.



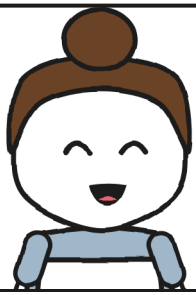
بستهٔ شمارهٔ ۱.



مارا، جادوگر.



تونیو، پیک برق‌آسا.



الیا، نانوا.

دفتر تحویل
مال گاس

«خصوصی»: اول من می‌خوانمش. — خ.

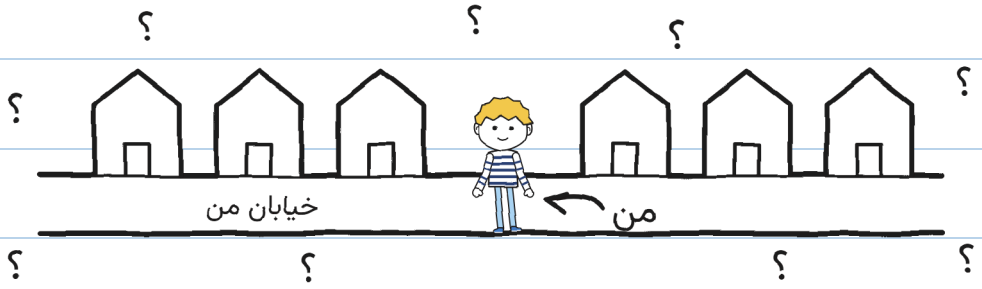


این دفتر از یک جعبهٔ اسباب‌کشی
درآمد. رویش نوشته بود «آشپزخانه».

فصل 1

همان که نمی‌شود

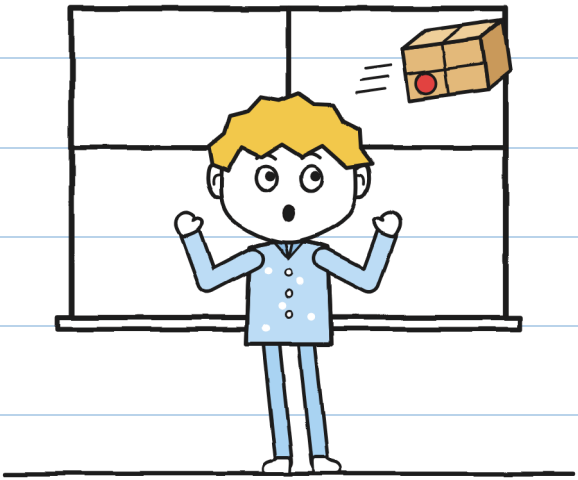
چهار روز است که در این محله‌ام.



نقشهٔ من برای پیدا کردن یک دوست:

1. سلام کردن.
2. چیز جالب گفتن.
3. ؟؟؟

چیزی از جلوی پنجره‌ام پرواز کرد و رد شد.

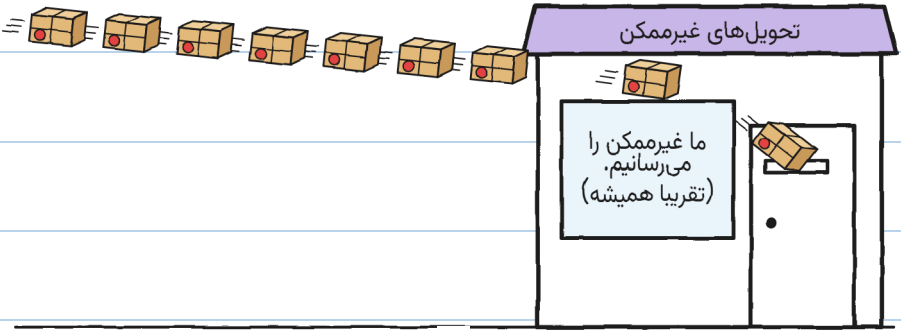


یک بسته بود.

بعد یکی دیگر، و یکی دیگر. نُه تا

پشت سر هم، مثل مرغابی‌ها. از

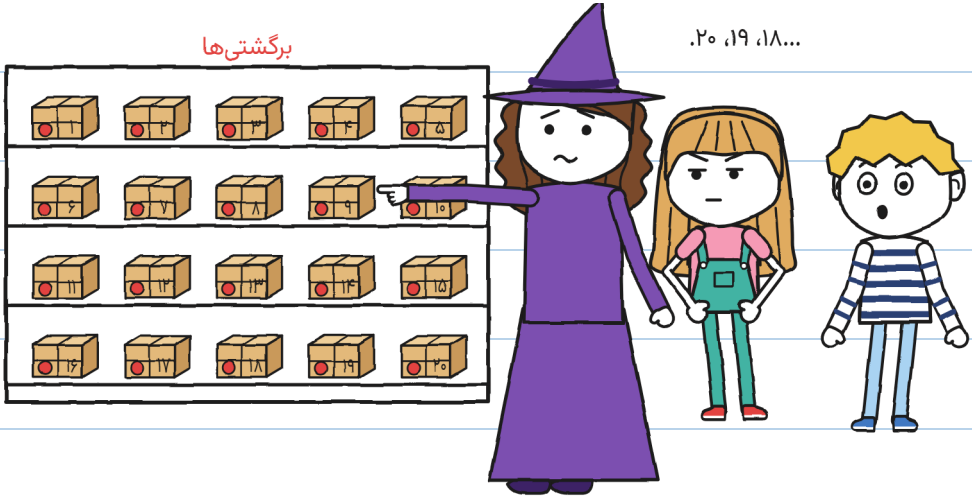
صندوق پست مغازه رفتند داخل.



شمارهٔ ۲: بسته‌های پرنده!

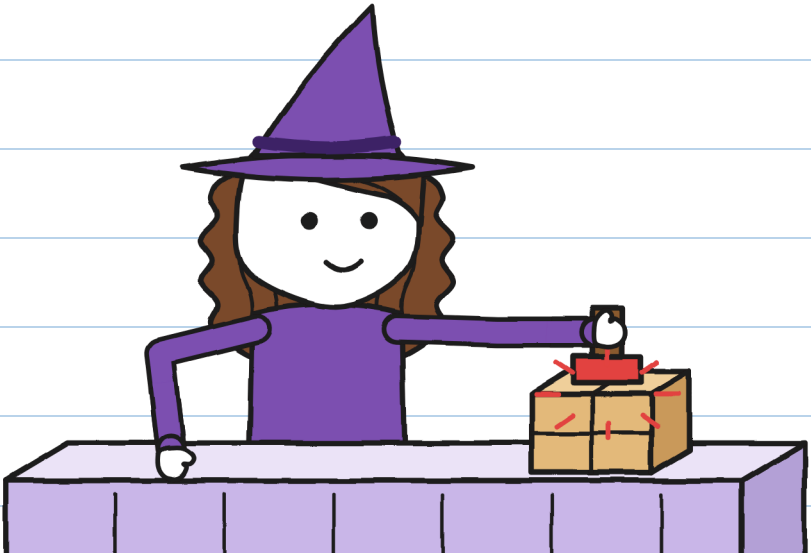
جالب نیست. خیلی پیش می‌آید.

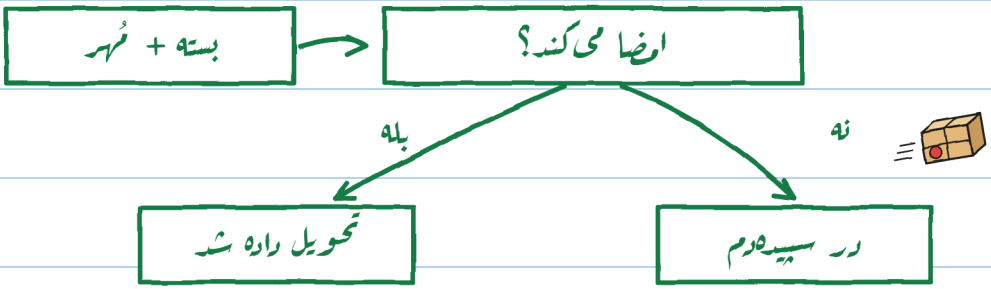
این یادداشت از خولیتاست. چیزی
که سبز نوشته شود پاک نمی‌شود.
بافتنی‌ام را پوشیدم و از خیابان رد شدم.



جادوگر گفت: «همه برگشته‌اند. باز هم.»

جادوگر، ماراست. یک مُهر درخشان دارد.





(پاک نمی‌شود)

هیچ بسته‌ای گم نمی‌شود.

روی قفسه بیست برگشتی هست.

مقصد: . . .

فرستنده: ر.

پرسیدم: «ر. کیست؟»

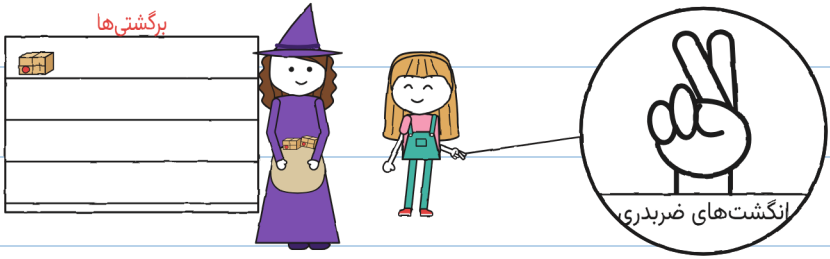
مارا گفت: «کسی که خطش بد است.»

مارا نوزده تا را در یک کیسه گذاشت.

مارا گفت: «آن یکی نه.

به قفسه دست نزنید!»

خولیتا گفت: «حتما.»



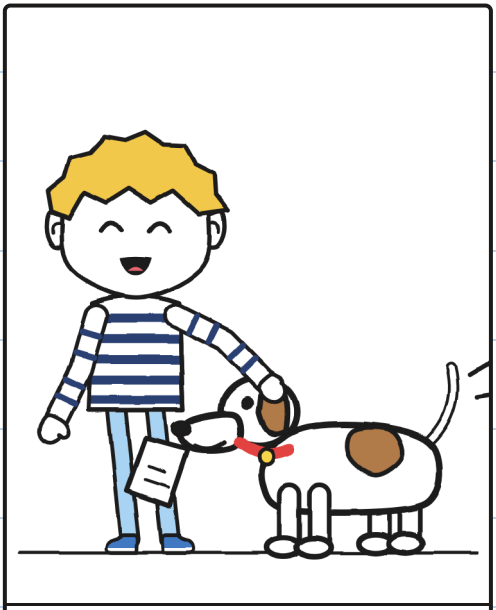
خولیتا نگاهم کرد.

«بلدی بسته برسانی؟»

«بله. در محلهٔ قبلی‌ام پیک حرفه‌ای بودم.»



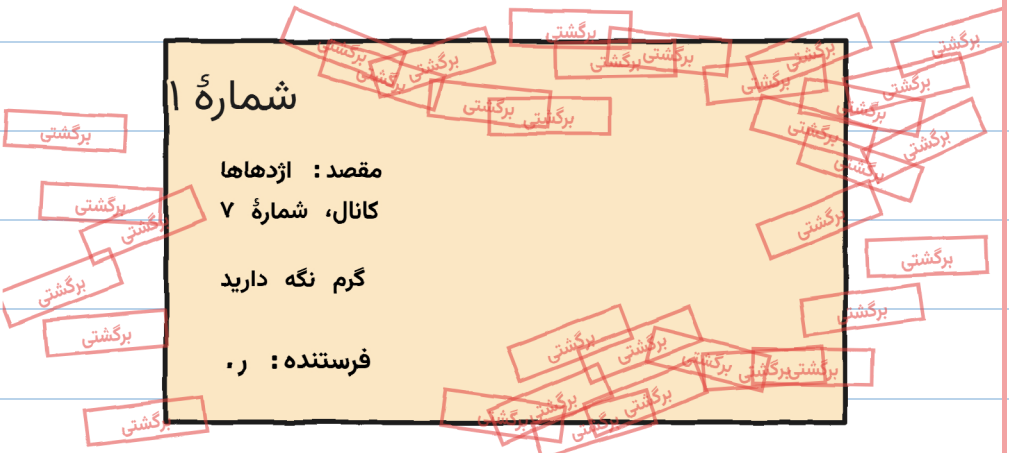
چیزی که گفتم



چیزی که پیش آمد

حرفه‌ای در کار سگ‌ها.

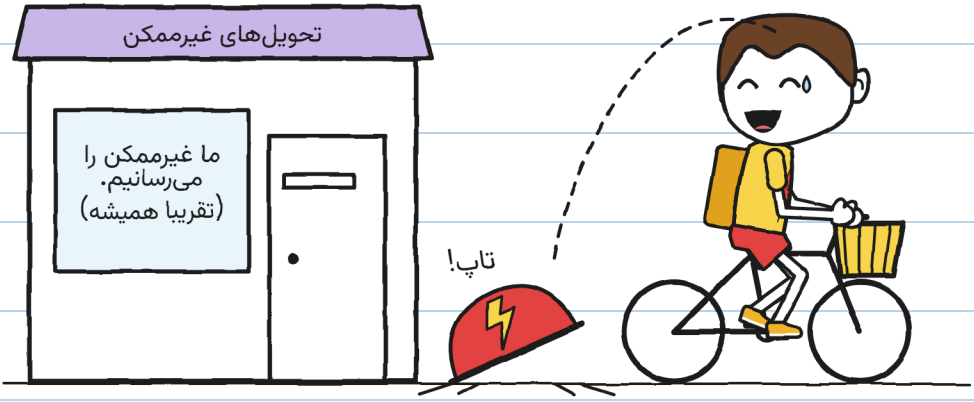
خولیتا آخرین بسته را بیرون آورد.
شمارهٔ ۱ بود. دست‌هایش می‌لرزید.



خولیتا گفت: «پیش از
سپیده‌دم تحویلش می‌دهیم.»

به نظرم نقشهٔ خوبی بود. هنوز
نمی‌دانستم داخلش چیست.

دینگ! پسری با دوچرخه رسید، با کلاه ایمنی.



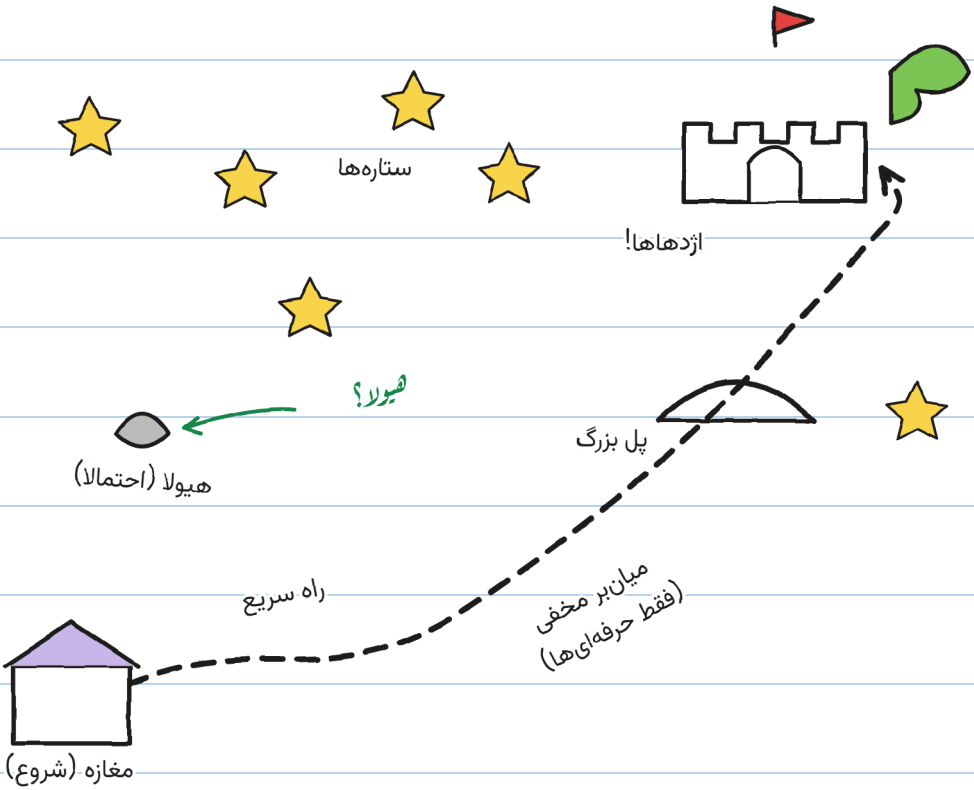
گفت: «تحویل‌های
غیرممکن؟ غیرممکن است!»

تونیو. چیزهای کسل‌کننده می‌رساند.

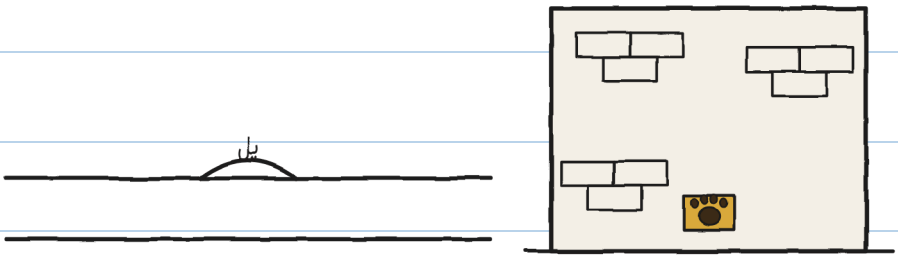
خولیتا گفت: «امروز این را می‌رسانیم.»
تونیو خندید و کلاهش افتاد.

یک نقشهٔ تحویل کشیدم.

حرفه‌ای‌ها نقشه می‌کشند.



بدون ستاره.



کانال، شمارهٔ ۷

خانه نبود. یک دیوار بود.

صاف بود، بی‌در و بی‌پنجره.

فقط یک صفحهٔ برنجی داشت.

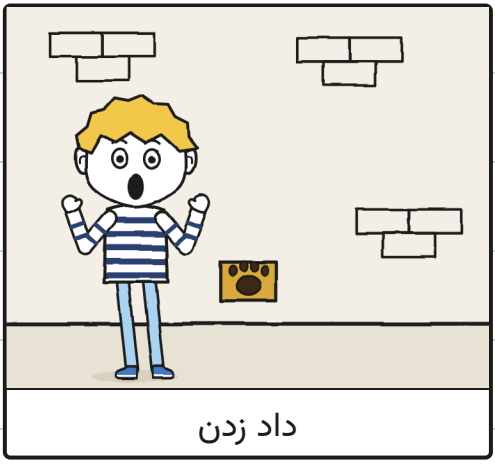


صفحه

گفتم: «صندوق پست؟»

ولی بسته در آن جا نمی‌شد.

با دیوار همه‌چیز را امتحان کردیم:

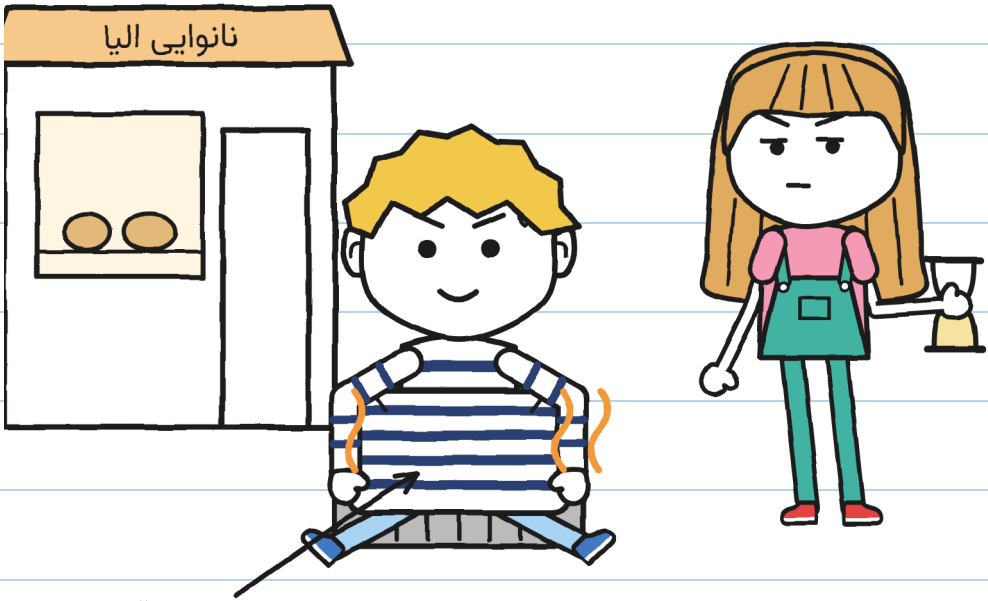


خانمی از بالکن ما را نگاه می‌کرد.

گفت: «سال‌هاست این بسته می‌آید.»

هوا سرد بود. خولیتا خواند: «گرم نگه دارید».

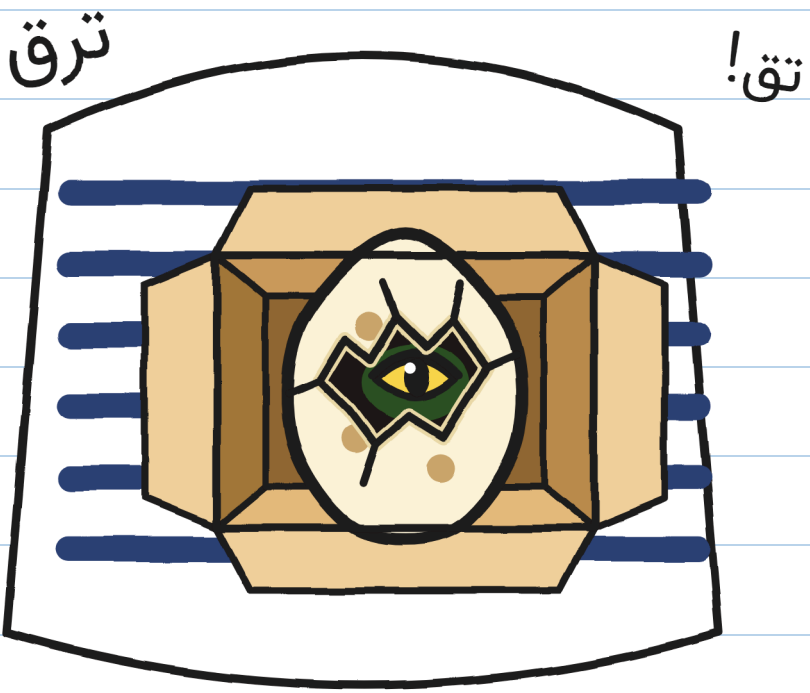
من تازه‌واردم: گرمش نگه می‌دارم.
بسته را زیر بافتنی‌ام گذاشتم.
روی توری نانوایی نشستم.



بسته

شبیه صندوق بستی که شکم دارد.

بوی نان می‌آمد و من عرق می‌کردم.
بعد، تق! چیزی به شکمم خورد.
خولیتا پرسید: «شکمت بود؟»
«شکم من تق نمی‌کند!»



و بسته به من نگاه کرد.

یک داستان، شش اندازه

شش اندازه هست، از 3 تا 16 سال، و بیش از 20 زبان.

اندازه XXS · PRE-A1
هاچی، اژدها یک شعلهٔ کوچک عطسه می‌کند!

اندازه XS · A1
من معمولی عطسه کردم. او یک شعلهٔ کوچک عطسه کرد. شعله گوشهٔ برچسب را سوزاند.

اندازه S · A2
من معمولی عطسه کردم. او با عطسه‌اش یک شعلهٔ کوچک بیرون داد. شعله گوشهٔ برچسب را سوزاند. بعد بچه‌اژدها همان گوشه را خورد.

اندازه M · B1
من معمولی عطسه کردم، ولی او با عطسه‌اش یک شعلهٔ کوچک بیرون داد که گوشهٔ برچسب را سوزاند. بعد همان گوشهٔ سوخته را خورد.

اندازه L · B2
من معمولی عطسه کردم؛ او، در عوض، با عطسه‌اش یک شعلهٔ کوچک بیرون داد که گوشهٔ برچسب را سوزاند و، بعد، با خیال راحت، همان گوشهٔ سوخته را خورد.

اندازه XL · B2–C1
رمان مصور ۰ ۱۳+

سطح‌ها طبق چارچوب مرجع مشترک اروپایی تقریبی‌اند.

همان داستان. — خ.

هر فصل را در linguaula.com تمرین کن